

روی خط سل

گزارش رونمایی آلبوم «همه‌کاشی‌ها»

تجربه یک آزادی متفاوت در موسیقی

● **علیرضا سعیدی**: مراسم رونمایی از آلبوم «همه‌کاشی‌ها» با هنرمندی پیمان خازنی در حالی برگزار شد که دست‌اندرکاران این آلبوم هدف از تولید این اثر موسیقایی را رسیدن به یک نوع آزادی در حوزه شنیداری توصیف کردند.

به گزارش مهر، نادر مشایخی، آهنگ‌ساز و رهبر ارکستر، در ابتدای این مراسم که شنبه‌شب ۱۹ فروردین در کافه «ایدما» برگزار شد، گفت: یکی از مهم‌ترین جنبه‌هایی که می‌توانیم درباره آلبوم همه‌کاشی‌ها در نظر بگیریم عادت شنیداری است که مخاطب در این اثر با آن همراه خواهد شد. فارغ از جنبه‌های تکنیکی و فنی موسیقی، جنبه عاطفی «صدا» موضوع بسیار مهمی است. صوت می‌تواند عاطفه ایجاد کند و این من شنونده هستم که از لحاظ عاطفی، صدا را می‌شنوم. موسیقی هم جنبه‌ای عاطفی از صداست که شنونده به فراخور احساس خود این موسیقی را درک کرده و می‌شود. به هر صورت این کار پیمان خازنی به شکلی است که مخاطب در حین شنیدن می‌تواند اشعار را خوانده و بعد باسرعت آنها را تفسیر کند.

او ادامه داد: به اعتقاد من آثار پیمان خازنی دربرگیرنده طیف وسیعی است که فقط موسیقی سنتی نیست، موسیقی او انتخاب‌شده از انواع و اقسام موسیقی‌هایی است که مخاطب با توجه به این سلیقه‌های متنوع می‌تواند تفسیر شخصی خودش را از صدا دریافت کرده و با اثر موسیقایی ارتباط برقرار کند. به‌هرحال در سال‌های اخیر شاهد جدیدشدن عادات شنیداری جدید هستیم که به من برای ۱۰ سال آینده این امیدواری را می‌دهد که اتفاقات خوبی در موسیقی می‌افتد.

رامین بهنا، آهنگ‌ساز و مدرس موسیقی، هم در این مراسم بیان کرد: وقتی پیمان خازنی قطعاتی از آلبوم «همه‌کاشی‌ها» را برای من فرستاد، متوجه این نکته شدم که آلبوم او این‌ا اجازه را به مخاطب می‌دهد تا از هر قطعه برداشت خودمان را داشته باشیم؛ موضوعی که می‌تواند برای یک اثر موسیقایی نکته در خور توجهی باشد.



او با اشاره به نکات برجسته آلبوم «همه‌کاشی‌ها» توضیح داد: پیمان خازنی آزادانه و بسیار درست روی حوزه بداهه‌نوازی و آهنگ‌سازی آلبوم تمرکز کرده که این موضوع نشان از افکار تلاشگر و آگاهانه او در حوزه موسیقی است که جای تبریک فراوان دارد. مسعود فروتن، کارگردان تلویزیون، نیز در این برنامه گفت: اصلا باورم نمی‌شود که بعد از این‌همه شیظت و هیجان پیمان خازنی که در روزهای تولید این آلبوم شاهد آن بودیم چنین نتیجه ارزشمندی داشته باشد، چراکه به‌قدری شاداب و شیظت‌آمیز با این اثر برخورد می‌کرد که اصلا نمی‌توانستم تصور کنم نتیجه چیزی باشد که می‌شنویم. این هنرمند بیان کرد: به‌هرحال نتیجه این‌همه هیجان و شادابی منتج به تولید آلبوم «همه‌کاشی‌ها» شد که واقعا صدای عالی‌ای دارد و من به سهم خودم به تمامی دست‌اندرکاران آلبوم تبریک می‌گویم. گروس عبدالملیکان، شاعر و ترانه‌سرا، هم که در این مراسم حضور پیدا کرده بود، با بیان اینکه موسیقی‌دانی چون پیمان خازنی فرصت تاویل‌پذیری در مخاطب را گسترش داده، گفت: چنین مؤلفه‌ای که نسبت به هنرمندی چون پیمان خازنی اشاره کردم او را به سمت حرکت در فضای مدرن برده که تلفیق شعر و موسیقی را از بیرون ارائه نمی‌دهد. او یک کار مدرن انجام می‌دهد که از نظر من مانند نقاش‌های امپرسیونیستی است. مزدا انصاری، نوازنده و آهنگ‌ساز موسیقی ایرانی، هم در این مراسم که هم‌زمان با روز تولد پیمان خازنی برگزار شد، با قدردانی از تولید این آلبوم موسیقایی گفت: پیمان خازنی نگرش جالبی به ملودی و کلام در موسیقی ایرانی دارد. من امیدوارم مانند این آلبوم کارهای بهتری از او بشنویم و از شنیدن آن لذت ببریم. این نوازنده و آهنگ‌ساز عنوان کرد: روزهای اولی که در استودیو حضور پیدا کردم متوجه شدیم کار آن رئالیستی که ما انتظارش را داشتیم پیش نمی‌رود بنابراین به فضاهای عجیب‌وغریبی پناه بردیم که در نهایت منجر به واقعا ضبط اثر در زیرزمین چند خانه قدیمی شد که واقعا جا دارد از گروه صدابرداری برای این کار بی‌نهایت مشکل قدردانی کنم. به‌ترتیب آلبوم «همه‌کاشی‌ها» خاطره بسیار خوشی است که من سعی کردم در آن آزادی را تجربه کنم و امیدوارم مخاطب هم تجربه‌ای مانند من داشته باشد. نادر مشایخی، مسعود فروتن، محمد سلمانی، مزدا انصاری، مبدیا فرج‌نژاد، فرشاد حسامی، پویا نیک‌پور، رضا موسوی، وحید نصیریان، محمد ابراهیمیان، علی شمس، منصور خانیاطیان، مهدی سلطانی، حمید اسفندیاری و عباس سجادی از جمله هنرمندانی بودند که در این مراسم حضور داشتند.

شرق: در روز ۲۹ مارس مراسم بزرگداشتی در سالن زیبای کی میک سنتر در منطقه وست ونگوور استان بریتیش کلمبیا، برای بازیگر ارزنده سینمای ایران، فاطمه معتمدآریا برگزار شد. این مراسم به همت دانشجویان ایرانی دانشگاه بریتیش کلمبیا و با حمایت مالی و معنوی افراد و سازمان‌هایی مانند شرکت تولید و پخش فیلم پاسیفیک یونایتد پروداکشنز و مرکز فرهنگی فونیکسس برگزار شد. در شروع برنامه یک گروه از بومیان آمریکای‌شمالی پس از اجرای یک مراسم سنتی یک یادبود هنری سمبلیک به فاطمه معتمدآریا تقدیم کردند. پس از آن تقدیرنامه و هدایایی از طرف بخش مطالعات آسیایی دانشگاه بریتیش کلمبیا به فاطمه معتمدآریا تقدیم شد. پس از نمایش فیلم کوتاهی درباره این بازیگر محبوب، دکتر امیرهوشنگ هاشمی، مدیرمسئول

شرکت پاسیفیک یونایتد که از یاران دیرین زنده‌یاد علی معلم و عضو هیئت داوران جشن سینمایی حافظ است، ضمن سخنانی با اشاره به درگذشت ناپهنگام علی معلم و پس از تقدیر از حضور فیلم‌بردار بزرگ سینمای ایران، آقای فرهاد صبا، در بین حضاران، به سوابق هنری و افتخارات فاطمه معتمدآریا در سطح ملی و بین‌المللی اشاره کرد و به او خیرمقدم گفت. پس از نمایش فیلم «آباجان»، ساخته هاتف علیمردانی و اجرای موسیقی زنده از سوی تایماز صبا، جلسه پرسش‌وپاسخ با حضور خانم معتمدآریا، آقای دکتر هاشمی و سرکار خانم نسرین عسگری از دانشگاه بریتیش کلمبیا برگزار شد و پس از آن، این شب به‌یادماندنی با گرفتن‌عکس یادگاری تمام حضاران در سالن با نظم و ترتیبی مثال‌زدنی به پایان رسید.

گفت‌وگو با شهلا لاهیجی

اثر تازه‌ای از بیضایی در راه است



عباس میرکرمی، مدیر جشنواره شرق

شرق، گروه کتاب: کتاب تازه‌ای از بهرام بیضایی در راه است. «سفر به شب» عنوان کتابی است که از این نویسنده، کارگردان و پژوهشگر مطرح معاصر در نشر روشنگران زیر چاپ است، چنان‌که شهلا لاهیجی، مدیر روشنگران و ناشر آثار بیضایی، خبر می‌دهد، این کتاب، فیلم‌نامه‌ای است از بهرام بیضایی که پس از پروسه‌ای طولانی قریب به سه سال به‌دلیل غیاب استاد بیضایی در ایران، آماده انتشار شده است و «روشنگران» بنا دارد آن را در نمایشگاه کتاب اخیر عرضه کند. شهلا لاهیجی با اعلام این خبر به «شرق» گفت: «پس از سال‌ها که اثر تازه‌ای از بهرام بیضایی منتشر نشده بود، امسال سفر به شب را زیر چاپ داریم و آن را تا نمایشگاه کتاب منتشر خواهیم کرد، هرچند انتشار این کتاب، خلا استاد بیضایی را برای ما و دوستدارن بیضایی پُر نخواهد کرد». او به فعالیت‌های بیضایی در دورانی که دور از وطن می‌گذراند، اشاره می‌کند و می‌گوید: «گرچه از بیضایی آثار زیادی در این سال‌ها چاپ نشده، اما او بی‌کار ننشسته است و در این دوران غیبت توانسته آثار مهم خود را روی صحنه بیاورد. او هروقت در ایران نمایش‌های عروسکی خود را کار می‌کرد، می‌گفت دلش می‌خواهد نمایش‌های روح‌ضی‌اش را هم اجرا کند اما اجراهای این آثار با مشکل مواجه بود و مقدور نشد، تا اینکه او در آمریکا توانست آثارش را اجرا کند». شهلا لاهیجی به نمایش‌هایی اشاره می‌کند که بیضایی در

سال‌های دوری روی صحنه برده و با اقبال بسیاری مواجه شده است: «چانا و بلادور»، «سایه‌بازی» که با دو روایتگر روی صحنه رفت، نمایش و روخوانی «گزارش ارداویراف» و دو نسخه دو و سه‌ساعته از «طرب‌نامه». در عین‌حال که بیضایی اتجا کلاس‌ها و کارگاه‌های خود را دارد و روی طرح‌های دیگری نیز کار می‌کند. لاهیجی معتقد است: «با تمام این حرف‌ها دل بیضایی اینجا می‌تپد، چون هیچ‌کس به‌اندازه او با تسلط‌ش بر زبان فارسی، به این زبان خدمت نکرده است و شاید آرزوی او این باشد که باز هم بتواند با زبان مادری‌اش کار کند و با مردمی که زبان مادری او را خوب درک می‌کنند، طرف سخن باشد». او از تأثیر بیضایی بر معاصران خود نیز چنین می‌گوید: «شاید بیشترین تأثیر را بیضایی روی کارگردانان و فیلم‌نامه‌نویسان ما گذاشته است. شما این تأثیر کتاب حقایق درباره لایلا دختر ادریس، نوشته بیضایی را روی آخرین اثر فرهادی، فیلم فروشنده می‌بینید، اثری که اسکار گرفت و مایه افتخار همه ما ایرانیان شد و این آثار اشکالی ندارد. میلان کوندرا در اثر اخیر خود می‌نویسد هیچ هنرمندی نمی‌تواند بگوید اثرش را تنها از درون خود درآورده است. هر هنرمندی از فیلم‌ساز، نویسنده و آهنگ‌ساز از دیگران تأثیر پذیرفته و میراث ذهنی دارد و این درباره بزرگانی مانند بتهوون یا نخستین نویسندگان، رابله و سروانتس و دیگران نیز صادق است. منظورم این نیست که کارگردانی از روی اثری



انور از «فتحنامه کلات» اثر مهم بیضایی نیز در انتشارات روشنگران درآمد. البته به‌گفته شهلا لاهیجی، پیشنهاد این ترجمه به ۱۰ سال پیش مربوط می‌شود. «کارگردانی در خارج آوازه فتحنامه کلات را شنیده بود و می‌خواست از آن فیلمی بسازد که با نسخه فارسی ممکن نبود. آن زمان منوچهر انور پیش‌ترجمه‌ای از این اثر بیضایی کرد و برای او فرستاد اما چون دوران تلخی برای هنرمندان بود و همه گرفتار ماجراهای سیاسی و فرهنگی بودند، ماند تا همین اواخر و سرانجام با دهه بار بازنویسی و بازنگری، ترجمه اخیر منتشر شد. می‌دانید که می‌شود نسخه انگلیسی این اثر و مرگ یزدگرد را با آثار شکسپیر قیاس کرد. هر جمله از این آثار اهمیت و عمقی دارد که می‌تواند مانند جملات هملت شکسپیر به ضرب‌المثل تبدیل شود، چنان‌که بودن یا نبودن هملت شد». شهلا لاهیجی در آستانه نمایشگاه کتاب به حضور روشنگران در این دوره نیز اشاره می‌کند. سال گذشته، نخستین سالی بود که انتشارات روشنگران پس از سال‌ها در نمایشگاه شرکت کرد اما به‌دلیل مساحت کوچک غرفه‌ای که به آن اختصاص داده شد، فقط توانست آثاری از بهرام بیضایی را به نمایشگاه بیاورد، شهلا لاهیجی با بیان این خبر، امیدوار است امسال غرفه‌ای در حد سی‌وچند سال سابقه کار نشر روشنگران به این نشر اختصاص یابد تا تمام آثار بهرام بیضایی و دیگر آثار مهم خود را نیز به نمایشگاه بیاورد.

اظهارات رضا میرکرمی درباره جشنواره جهانی فجر در نشست مطبوعاتی خود

از نکوداشت «عباس کیارستمی» تا حمایت‌های رئیس جدید سینما

کنند، اعلام می‌کنم بهتر است دعوی خود را سرکوجه خودتان ببرید. امسال ۳۵۰ میهمان از ۶۶ کشور داریم، به‌طوری‌که برخی از آنها با وجود تهدیدات کشورشان تصمیم به سفر به ایران گرفتند. ضمن اینکه ۳۰ میهمان از کشورهای عربی داریم که از کشورهای اردن، امارات، تونس و الجزایر هستند. این موضوع می‌تواند مورد توجه سیاست‌مداران هم قرار بگیرد که بدانند از طریق هنر و سینما می‌توانند درهایی را باز کنند».

از نظر میرکرمی، بخش دارالفنون یکی از بخش‌های پراستقبال جشنواره سال گذشته بود و توضیح داد: «به دلیل استقبال خوبی که امسال هم شد، این بخش را دو روز زودتر از جشنواره شروع و دو روز زودتر از پایان جشنواره هم تمام می‌کنیم».

دبیر جشنواره در ادامه به فقدان عباس کیارستمی اشاره کرد و گفت: «سال گذشته عباس کیارستمی را از دست دادیم، با توجه به برگزاری مراسم‌هایی در جشنواره‌های مختلف جهانی خواستیم در این جشنواره فصل‌الخطاب و به‌نوعی ختم این اتفاق را در ایران برگزار کنیم. به‌این‌ترتیب سه مراسم ویژه برای عباس کیارستمی داریم که مسئولیت این بخش با سیف‌الله صمدیان است و افرادی از سراسر دنیا برای حضور در این بخش و سخنرانی به ایران سفر می‌کنند».

میرکرمی درباره مختصات این دوره جشنواره عنوان کرد: «برای این دوره از جشنواره شخصیت‌سازی می‌شود و فیلم‌هایی به نمایش درمی‌آیند که حتی اولین رونمایی جهانی آنهاست و این‌طور نبوده که بخوایم دنبال نمایش فیلم‌هایی باشیم که در جشنواره‌های دیگر نمایش داده شده‌اند. در این راستا یکی از فیلم‌های سوکوروف که در زمان شوروی سانسور شده بود، در شهر او به نمایش درخواهد آمد و دومین نمایش فیلم در تهران است که در جشنواره شاهد آن خواهیم بود و این اتفاق به خواست خود این کارگردان روس روی می‌دهد، دبیر جشنواره جهانی فجر درباره میزبانی‌هایی که باید بر فیلم‌های خارجی اعمال شود، توضیح داد: «با سازندگانشان تعامل کردیم و بدون توافق هیچ فیلمی را پخش نمی‌کنیم و این مسئله را به امری اختیاری تبدیل کرده‌ایم. ضمن اینکه فیلم‌ها با کمترین دخل‌وتصرف و تقریبا کامل نمایش داده می‌شوند. به‌ویژه اینکه امسال بیشتر کارگردان‌ها با آثارشان در سالن حضور دارند و میزان کم‌شدن زمان فیلم‌ها کمتر از یک‌دقیقه است».

تقدیر دانشگاه بریتیش کلمبیا از فاطمه معتمد آریا



یادداشت‌های روزنامه‌نگار مستعفی

سال نوبا مفت آباد



لیلی فرهادپور

● از میان تمام فیلم‌های سینمایی و تلویزیونی که در تعطیلات طولانی نوروز دیدم، علاوه بر یادآوری صحنه‌های جذاب و کمیک فیلم «خوب، بد، جلف» کار جناب قاسم‌خانی که وقت و بی‌وقت لبخند بر لب آدم می‌آورد، فیلم هنر و تجربه‌ای مفت‌آباد هم از نظر محتوا و هم از نظر شکل، فکر من را مشغول کرده است. «مفت‌آباد» اولین تجربه سینمایی پژمان تیمورتاش است، ولی اولین تجربه من در مواجهه با این کارگردان مؤلف نیست؛ چراکه چند سال پیش مجموعه داستانی از او را خوانده و پسندیده بودم! از شما چه پنهان بعد از دیدن فیلم ترغیب شدم که در کتابخانه‌ام بگردم و مجموعه داستان کوتاه پژمان تیمورتاش، یعنی «تهران-۲۸» را بیرون بکشم و دوباره بخوانم. تیمورتاش با همان مجموعه داستانش نشان داد نویسنده متفاوتی نسبت به هم‌نسلان خود است. قبل از آنکه پرداختن به به‌حاشیه‌رانده‌شدگان در جامعه و طبقات فرودست مد روز شود (به‌خصوص در سینما) و اتفاقا درست وسط زمانی که آشپزخانه‌نویسی و آپارتمان‌نویسی و دغدغه‌های طبقه متوسط زنان و همچنین مردان و جوانان و در هیروت‌رفتن این طبقه دیگر داشت تبدیل به اقت ادبیات و سینمای داستانی می‌شد، تهران-۲۸ پژمان تیمورتاش منتشر شد. این اثر مجموعه‌داستان بود، اما همه ویژگی‌های یک رمان را هم داشت. هر یک از داستان‌های تهران-۲۸ یک پلات مستقل دارند؛ درحالی‌که کتاب مجموعا پلات بزرگ‌تری هم دارد که این داستان‌های به‌هم‌پیوسته آن را می‌سازند، توالی زمانی داستان‌هایی که به دنبال هم آمده‌اند، وجود شخصیت‌های متعددی که هریک به بازگویی ماجرا و دغدغه‌های خود می‌پردازند و... از جمله ویژگی‌های رمان هستند که در تهران-۲۸ هم دیده می‌شد. زبان تهران-۲۸ با فخرفروشی تمام نشان از شناخت تیمورتاش از جنوب شهر تهران می‌داد، نه جنوب شهر دهه ۴۰ یا ۵۰ که فقر به معنای نداشتن نان و سربانه بود، بلکه جنوب شهر دهه ۸۰ و جوانان این دهه که فقر برای آنان هر روز شاهدبودن تفاوت طبقاتی است و زجری که از درک این تفاوت حاصل می‌شود. حالا فیلم تیمورتاش هم دقیقا همین خصوصیات مجموعه داستان/رمانش را دارد. همان موقع که کتاب تیمورتاش منتشر شد، بدون هیچ نشانه‌ای یکی از تحسینگران او بودم، اما به این سادگی نمی‌توانم تحسینگرک کامل فیلمش باشم. شاید یکی از دلایل این باشد که اصولا به ادبیات همیشه موضوع مثبت‌تری دارم تا سینما و همیشه در هر اثر و ژانر قابل قیاسی، این یکی را به آن یکی ترجیح می‌دهم. حتی وقتی رمان «چه رزماری» با ترجمه خوب محمد قائد منتشر شد، به نظرم رمان در برخی جهات بالاتر از فیلم پולانسکی کبیر قرار می‌گرفت؛ اگرچه نویسنده رمان، گمنامی بیش نبود.

ازهمین‌رو می‌توانم کمی نقد منفی به فیلم پژمان داشته باشم. اول آنکه نمی‌دانم چرا این زبان کوچک‌بازاری و جنوب شهری که در کتاب پژمان چنان فخر می‌فروخت در فیلم رنگ باخته بود. شاید در زبان برخی بازیگران نمی‌نشست؛ گرچه نمی‌توان از بازی خوب سجاد افشاریان و بقیه گذشت. ولی لهجه لاتی در فیلم گاهی در لهجه شیرین شیرازی سجاد حل می‌شد. فیلم اغراق داشت با اینکه باورپذیر بود و نکته جالب دیگری که در مفت‌آباد قابل اشاره است ورود دنیا مدنی به بازیگری با این فیلم است. دنیا مدنی، دختر رویا تیموریان نشان داد می‌تواند با جای پای مادر بگذارد. بازی‌اش را، جدا از دختر رویاؤبدون، دوست داشتم. گویا مفت‌آباد به جشنواره نرسید. شاید اگر می‌رسید روی جوایز تأثیر می‌گذاشت. اما حالا که به هنر و تجربه رسیده است به دیدنش می‌آرزد؛ شک نکنید!

خبر

شب وفات حضرت زینب(س)

نمایش‌های کمدی به صحنه نمی‌روند

● **شرق**: نمایش‌های کمدی هم‌زمان با وفات حضرت زینب(س) روی صحنه نخواهند رفت، شورای ارزشیابی و نظارت ضمن تسلیت ایام سوگاری حضرت زینب(س) به جامعه هنری کشور، برنامه تعطیلی اجراهای نمایش کمدی را هم‌زمان با این روز اعلام کرد. ایام سوگاری از اذان مغرب روز چهارشنبه ۲۳ فروردین تا اذان مغرب روز پنجشنبه ۲۴ فروردین ادامه خواهد داشت و تمامی نمایش‌های کمدی در مدت مذکور اجرا نخواهند شد.
شاه‌خانه ایرانشهر به همین مناسبت در روز چهارشنبه ۲۳ فروردین ماه تنها میزبان نمایش «... و چند داستان دیگر» است که پیش از اذان مغرب و عشا به صحنه می‌رود. نمایش «... و چند داستان دیگر» به کارگردانی پیام لاریان پیش از اذان مغرب و عشا در ساعت ۱۸:۳۰ به صحنه می‌رود. همچنین در روز پنجشنبه ۲۴ فروردین نیز نمایش‌های «سونات پاییزی» به کارگردانی جلال تهرانی ساعت ۲۰:۳۰ در سالن استاد سمندریان و «آوزارهای سر شام» به کارگردانی کاوه مهدوی ساعت ۲۱ در سالن دکتر ناظرزاده‌کرمانی (هر دو اجرا بعد از اذان مغرب و عشا) به صحنه می‌روند.